



# خوابهای پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند

بهوش باشیم آزمایشهای تلخ دیگران را تکرار نکنیم

پیام استاد زبان فارسی دانشگاه قونیه - تورکیه :  
از دانشمندان و فضلا و بزرگان تقاضا دارم که خط فارسی را تغییر ندهند زیرا  
بسیار حیفاست بخصوص که پنجاه سال بعد مشکلات و گرفتاریهای تغییر خط  
آشکار خواهد شد و نسلهای آینده از ثروت معنوی و فرهنگی و تاریخی خود  
محروم خواهد شد (۱)

## خط و ملیت:

طرفداران تغییر خط می‌گویند : خط فارسی  
اصلا از ریشه سامی است و با زور سر نیزه به ملت  
ایران تحمیل شده است و از ذخایر ملی محسوب  
نمی‌شود با تغییر و تبدیل آن زیان و لطمه‌ای متوجه  
استقلال و ملیت ما نخواهد شد.

مخالفتان خط فارسی می‌خواهند در زیر پوشش تعظیم  
مظاهر ملی، یکی از ارکان مهم ملیت ما را ویران  
کنند پیداست، اصل هدف و منظور این دسته از مردم

نابود ساختن تمدن و فرهنگ ملی ایران است و  
می‌خواهند جامعه اصیل خویش را بنفع دیگران  
درهم ریزند و هر چه به عنوان میراث به آنها رسیده  
به دست خودشان نابود سازند ولی برای اغفال مردم  
بظاهر موضوعی را بهانه می‌کنند و خود را از مدافعان  
سرسخت ملیت نشان میدهند .

اینان چنین وانمود می‌کنند که هر چیزیکه از  
مرزوبوم دیگر آمده باشد هر قدر هم در میان آن  
ملت سابقه تاریخی داشته باشد باز نسبت به آن ملت  
بیگانه و اجنبی است و تنها چیزی از نظر مردم ملی

(۱) این پیام را توسط دکتر محمد مقدسی برای ملت ایران فرستاده است : کیهان ۸۶۹۵ ص ۱۰

محسوب می‌شود که محصول سرزمین خود و یا نتیجه ابداع و اختراع مردم آن سرزمین باشد . بطور مسلم این منطق ، منطق درستی نیست زیرا شاید یکی از افراد ملت موضوعی را اختراع کند ولی مورد قبول عامه مردم نباشد آن موضوع جنبه ملی بخود نمی‌گیرد و هیچوقت کسی آن موضوع مطرود را صرفاً بخاطر اینکه از میان خود آن مردم برخاسته و اختراع کننده آن یکی از افراد همان ملت بوده است يك پدیده ملی بحساب نمی‌آورند ، برعکس ممکن است چیزی بسدست ملتهای دیگر اختراع شود و از مرزبوم خارج بکشوری داخل شود و عموم مردم آن را قبول کنند و با آغوش باز بپذیرند ، در این صورت هیچکس نمی‌گوید این موضوع پذیرفته شده ، چون از جای دیگر آمده است ، نسبت به آن ملت ، بیگانه و اجنبی است ،

اشتباه در این است که اینان خیال می‌کنند ملی بودن چیزی به اینست که از آغاز پیدایش آن ملت همراه او باشد . بنابراین برای ملت چندین هزار ساله ما چیزهایی ملی محسوب می‌شود که در میان ما سابقه تاریخی چندین هزار ساله داشته باشد ، در حالیکه چنین نیست ، بلکه برای ملی بودن يك موضوع همین مقدار کافی است که مدت قابل توجهی با تاریخ آن ملت آمیخته شده باشد مثلاً بسیاری از عشایر و قبایل موجود در کشور ما ، بیش از چندین قرن یا حداکثر هزار سال از ورودشان بخاک ایران نمی‌گذرد ولی گذشت این مقدار از زمان برای آمیخته شدن آنان با ملت ما مسلماً کافی بوده است مسئله خط و زبان نیز از این قانون مستثنی نیست

(۲) به جلد اول سبک شناسی مراجعه شود .

(۳) ماجرای تغییر خط : دکتر علی اکبر شهابی ص ۱۴

خطی که ما فعلاً با آن می‌نویسیم ، هر چند مخترع اصلی آن ایرانیان نیستند و موضوعی است که بوسیله عربها به آنان رسیده است ولی چون ملت ایران آن نوع خط را پذیرفته اند و نسبت بخط پهلوی ترجیح داده اند ، نمی‌توان خط فارسی را بخاطر اینکه از ملت دیگر گرفته شده ، اجنبی و بیگانه دانست ، خصوصاً این خط قرنهای گذشته که بیگانه خط ملت ایران است و هر ایرانی از کودکی با آن خو گرفته است و در خشنا ترین آثار علمی و ادبی و هنری ایران با این خط نوشته است .

تازه ما اگر بخواهیم خط فارسی را بعلمت بیگانه بودنش طرد کنیم ، هیچ نوع خطی را نمی‌توانیم برای خود انتخاب کنیم زیرا که همه خطها برای ما از این لحاظ اجنبی و بیگانه است حتی خطهای روی زمین جز خط چینی و ژاپنی که علامات و اشکالی است ، همه از فنیقیهاست (۲) پس غرور ملی در مورد هیچیک از خطها راه ندارد .

بنابراین «خط و زبان» بطور قطع یکی از علل و عوامل اصلی استقلال و ملیت و حفظ آثار گرانبهای ما اثر برجسته ایران بوده و هست . حافظ ذخائر و گنجینه‌های علمی و ادبی و هنری ایران و معرف تمدن و فرهنگ ایرانی همین خط و زبان فارسی است ، در صورت تغییر و تبدیل آن بیشک زبان و لطمه‌ی متوجه استقلال ملیت ما خواهد شد که هرگز جبران پذیر نخواهد بود ، (۳)

### خط فارسی از نظر احساسات ملی و مذهبی

خطی که ما اکنون با آن می‌نویسیم در میان ما سابقه بسی طولانی دارد و بیش از هزار سال است که

این خط رابطه ما را با قدماء حفظ کرده است. مگر نه اینست که ما گذشتگان خود را از روی نوشته‌هایشان می‌شناسیم، درحقیقت بوسیله این علائم است که ما با گذشتگان ارتباط داریم و آیندگان ما می‌توانند با ما ارتباط داشته باشند. هر نوع هرج و مرج که در این علامات خواه زبان و خواه خط وارد بشود این تفاهم و ارتباط امروز را با گذشته و آینده مشکل می‌سازد. پس احترام و اهمیت گذشته و آینده باعث می‌شود که ما ارتباط خود را با خط و زبان گذشته حفظ کنیم. جائیکه مردم دنیا برای حفظ مرزهای جغرافیائی خود تا پای جان می‌ایستند. خط و زبان فارسی هم حکم مرزی را دارد که بیش از هزار سال است که زبان و فرهنگ ما را حفظ کرده است. آیا باندازه مرز جغرافیائی اهمیت ندارد؟

لذا روی احساسات ملی برای هر ایرانی لازم است وقتی که خط و زبان خود را در معرض حمله و تاخت و تاز بیگانان دید از حریم آن دفاع کند و نگذارد به حریم زبان و خط فارسی که پیوندهای اصلی و همبستگی و ملیت ماست، خیانت شود. این خط علاوه بر اینکه ما را با گذشتگان مربوط می‌سازد و نیز ارتباط فرهنگی و ادبی و مذهبی ما را با کشورهای اسلامی حفظ می‌کند. شباهت خطی بین زبانهای عربی، فارسی، ترکی و اردو طوری است که انسان با کمی دقت و ممارست می‌تواند از راه چشم و اشتراك الفاظ و خط، معانی آنرا دریافت دارد. مثلا کسانی هستند که معلوماً نشان در زبان عربی به آن حد نیست که بطور کامل از عربی استفاده کنند ولی

بجهت شباهت خطی می‌توانند از متون عربی کم و بیش استفاده ببرند آری بوسیله اشتراك خط، بین ما و همسایگان و جوامع اسلامی ارتباط ادبی و فرهنگی برقرار است اگر خط ما تبدیل به خط لاتین و یا هر خط دیگری بشود ارتباط و پیوند مذهبی ما با کشور - های اسلامی قطع می‌گردد و در نتیجه در رابطه ما در داخل، و هم در روابط کشور ما با کشورهای دیگر اسلامی اثر نامطلوبی می‌گذارد.

این خط، یادگار بسیار گرانبهائی است که از گذشتگان برای ما بیادگار مانده است امروزه چگونه می‌توان از این یادگار نفیس چشم پوشید و از ذخائر هنگفتی که در این هنگام بیش از هزار سال از نظم و نثر برای ما باقی مانده و با همین خط نوشته شده، دست برداشت؟! این خطی که مامسلماانان اکنون با آن می‌نویسیم اگر چه از نژاد خط کوفی است و در ایران آنرا باید ارده آوردهای تمدن اسلامی دانست؛ ولی اینطور نیست که بگوئیم ایرانی هیچ سهمی در این خط ندارد ایرانی خط عربی را گرفت و آنرا زمینه هنر نمائی خود ساخت و در طول تاریخ با ذوق لطیف و استعداد سرشار خود در کمال و زیبایی آن کوشید.

در اسلام، تاریخ خط کوفی، اندک زمانی پیش از ظهور پیامبر (ص) میباشد مورخان اسلامی می‌گویند که عرب در زمان بسیار نزدیک با اسلام خط را از مردم حیره و بنطیان آموخت و خط از حیره به حجاز رفت. (۴) و هنگام ظهور اسلام عده بسیار کمی در مکه بخط کوفی آشنا بودند (۵) این خط از آن موقع گسترش و توسعه یافت که قرآن کتاب آسمانی مسلمانان با آن نوشته شد یعنی رونق و توسعه خط

(۴) مروج الذهب ج ۱ ص ۲۲۲ - آداب اللغة العربیه ج ۱ ص ۲۰۵ طبع قاهره،

(۵) طبق نوشته: «بلاذری» هنگام ظهور اسلام در مکه فقط ۱۷ نفر بخط کوفی آشنا بودند:

فتوح البلدان: بلاذری ص ۴۵۷ طبع قاهره.

کوفی بجهت پیوستگیش با تاریخ اسلام بوده است و این خطی است که بیش از همه رسول اکرم (ص) در انتشار آن می کوشید و در حکومت نو خاسته خود رسمیت داد (۶)

آیا هیچ میدانید کمال و زیبایی این خط از مولای متقیان امیر مومنان است؟ و بدستور و تلقین او شاگرد ادیب و دانشمندش «ابوالاسود دلمی» اعرایی بوجود آورد بشکل نقطه بر بالا و زیر و پیش حروف قرار داد و آنگاه از برای هر حرفی که با حروف دیگر ممکن بود مشتمب گرد نقطه ای یا چند نقطه قرار داد (۷)

چون تاریخ پیدایش این خط مقارن تاریخ اسلام است و لذا این خط میان مسلمانان بخط اسلامی معروف شده بود و نتیجه پیوستگی این خط، با تاریخ اسلام آن بود که ملت‌های مسلمان به این خط بچشم احترام می نگریستند و در طول تاریخ در کمال و زیبایی آن می کوشیدند.

مثلاً اسحاق حماد (متوفی سال ۱۵۴ هـ. ق.) ۱۲ شیوه از خط کوفی اختراع کرد اما پس از او دیگر سراسر این رشته به دست ایرانیان افتاد: ابراهیم و بردارش اسحاق سیستانی تنها از خوشنویسان خطوط کوفی بودند (۸)

بعد از آن دو دانشمند و نابغه‌ی خوشنویسی «ابن مقله بیضاوی شیرازی» (مقتول در سال ۳۲۸ هـ. ق.)

خود مبتکر خطوط مشهور و زیبایی چون «ثلث ریحانی» و «نسخ» و هر یکسی دو خط دیگر شد (۹)

غرض از قرون اولیه اسلامی تا کنون، چیره دستان سحر آفرینی، قدم در راه قلمزدن نهاده‌اند همه ایرانی، که بقول بعضیها «باسیاه مشقشان، سبید بختی این هنر را ضمانت کرده‌اند» (۱۰) که تنها ذکر اسامی آنها در خور چندین مقاله است و این مقاله گنجایش آنرا ندارد.

آیا با این وصف کمال بی انصافی نیست که این خط را نسبت به ایران بیگانه بخوانیم!

پس باید گفت خط فارسی برای ایرانی هم از جنبه ملیت و هم از جنبه مذهبی گرامی داشتنی است و باید هر ایرانی هم از نظر عواطف قومی و هم از نظر احساسات پاک مذهبی، در حفظ و حراست آن بکوشد.

### خواهیهای پریشان:

مخالفتان خط فارسی می گویند: همینکه خط فارسی تغییر یافت گروه گروه مردم جهان، فارسی خواهند آموخت مادامیکه الفبای نوجانشین الفبای کهنه نشده اقوام و ملل، میل و رغبتی برای یاد گرفتن زبان پارسی از خود نشان نخواهند داد با تغییر الفباء امکان دارد اغلب دانشگاه‌های جهان در انتخاب زبان فارسی چون زبان خارجی خست بخرج ندهند (۱۱)

(۶) انتشار الخط المرئی: عبدالفتاح عبادة: طبع مصر ج ۱۱- ۱۲

(۷) تذکره خوشنویسان ص ۱۷ - سبک‌شناسی بهار جلد ۱ صفحه ۱۹۶

(۸) خط و خطاطان: ابوالقاسم رفیقی مهرآبادی ص ۱۰

(۹) فرهنگ معین - ج ۵ (اعلام)

(۱۰) مجله تکین شماره ۸۳ سال هفتم ص ۲۹

(۱۱) اطلاعات شماره ۱۳۷۹۱

شویم .

علاوه بر این ، مگر تنها با تغییر خط این منظور عملی می شود ؟ بر فرض تغییر خط ، با زیاد گرفتن زبان فارسی برای آنان دشوار است الا اینکه این بیگانه‌نماها در نظر دارند بعد از تغییر خط بلافاصله تغییر زبان را عنوان کنند . بعید نیست مقصود اصلی همین باشد ! بهترین شاهد بر خام بودن این خیال و پریشان بودن این جواب اینست که با چشم خود کشور ترکیه را می بینیم با اینکه نزدیک به نیم قرن است خط خود را به لاتینی تبدیل کرده اند ولی هیچ توجهی از مردم جهان به زبان آنها نشده و حتی حرمت و بزرگی مملکت آنان در نظر سایر اقوام بهیچوجه بیشتر نشده است و هنوز استقبال کنندگان از زبان عربی و فارسی به مراتب بیشتر از زبان ترکی است .

این پیش بینی خیلی عجیب است . معلوم نیست روی چه ملاکی این چنین گمان می کنند آیا کسی از آنان می تواند باین مطلب ضمانت بدهد ؟ روزیکه غرب ، از نظر علم و فرهنگ محتاج ما بود بدون اینکه ما بفهمیم زبان و خط ما را یاد گرفتند و فرهنگ و تمدن درخشان ما بورش آوردند و کتابهای نفیس و خطی و کاشی‌های گران قیمت و آثار گرانقدر ما را به ثمن بخش خریدند و بردند و حتی باین منظور بکورده‌های دوردست ما مسافرت ، و استفاده‌های خود را کردند . اکنون که در ترقی و تمدن مادی بجاهای شکفت انگیز رسیده‌اند دیگر به ما چه احتیاجی دارند و زبان ما بچه درد آنها می خورد ؟ اگر می بینید ما زبان آنها را یاد می گیریم بدان جهت است که ما فعلا به آنها نیاز مندیم و باید به کمک زبانهای آنان فرهنگ آنان آشنا

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات قرآنی

رتال جامع علمائین

حاسبوا قبل ان تحاسبوا  
به حساب خود برسید پیش از آنکه  
به حساب شما برسند.  
از سخنان امیر مومنان (علیه السلام)